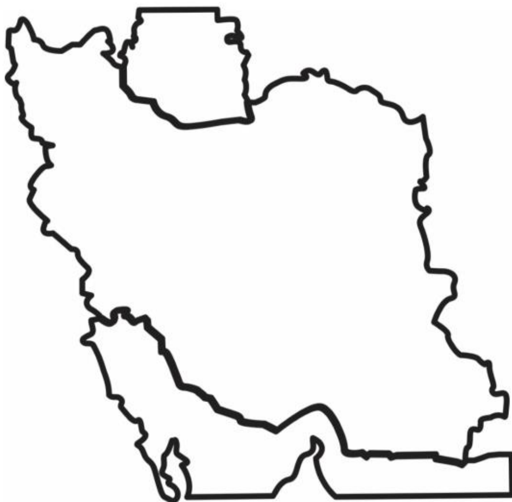
قانون اساسی پیشنهادی
برای فردای
ایران



قانون اساسی پیشنهادی برای فردای ایران

مقدمه

به نظر بسیاری از مردم ایران، قانون اساسی فعلی کشور، که قانون اساسی «جمهوری اسلامی ایران» است، دیگر کارآمد نیست. اینکه آیا این قانون اساساً زمانی کارآمد بوده یا نه، بحثی است تاریخی که پرداختن به آن دردی از امروز ما دوا نمی‌کند. حتی اگر این قانون اساسی از ابتدا فاقد ساختار مناسب جهت اداره‌ی بهینه‌ی کشور بوده باشد، ممکن است گفته شود نسلی که به آن رأی داد، این اجازه را داشت تا هر سرنوشتی را بر خود حاکم کند.

اما اکنون چهل سال از وقوع انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ می‌گذرد و زمانه تغییر کرده است. بسیاری از کسانی که در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ به قانون اساسی جمهوری اسلامی آری گفتند و بعداً در سال ۱۳۶۸ نیز شکل اصلاح‌شده آن را تأیید کردند، در قید حیات نیستند. بسیاری از آن‌هایی هم که در قید حیات هستند نظرشان تغییر کرده و اگر امروز همه‌پرسی قانون اساسی برگزار شود به قانون اساسی جمهوری اسلامی آری نخواهند

گفت. علاوه بر این، بخش عمده‌ی جمعیت فعلی کشور یا در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳٦۸ به دنیا نیامده بودند، یا اینکه به دلیل صغر سن امکان شرکت در انتخابات را نداشته‌اند. این‌ها دلایل آشکاری است برای لزوم بازبینی قانون اساسی کشور و تطبیق آن با خواست مردم امروز جامعه ایران.

این کار امر خطیری است که بزرگ‌ترین اذهان هر زمان یک کشور باید به انجام آن مبادرت ورزند. اما در کمال تأسف در تمام این سال‌ها، مخالفان قانون اساسی فعلی کوشش معنادار و متمرکزی در راستای تهیه‌ی یک قانون اساسی پیشنهادی جهت جایگزینی با قانون اساسی فعلی کشور نکرده‌اند. همین تلاش نکردن، باعث شده تا همواره کسانی که دنبال تغییر قانون اساسی – چه از طریق براندازی، چه از طریق اعمال اصلاحات ساختاری – بوده‌اند با این هشدار و تحذیر مواجه شوند که «برای فردای کشور چه فکری کرده‌اید؟» درست است که هرگونه تغییر اساسی در ساختار سیاسی یک کشور موجی از وقایع پیش‌بینی‌نشده را به همراه می‌آورد، اما این بدان معنا نیست که پیش از شروع این وقایع نمی‌توان تمهیدی برای کاستن از اثرات سوء این تغییرات اندیشید. تهیه‌ی یک پیش‌نویس قانون اساسی که بتواند عموم مخالفان قانون اساسی فعلی را با خود همراه سازد، سد قابل‌توجهی در برابر سردرگمی فردای پس از تغییر خواهد بود.

*

سندی که پیش روی شماست، صرفاً یک پیشنهاد است؛ پیشنهادی که با مطالعه‌ی تعداد کثیری از قوانین اساسی کشورها و تلاش برای گزینش بهترین اصول این قوانین و گردآوردن آن‌ها در ساختاری منسجم و سازگار و مبتنی بر اصول دموکراسی و حقوق بشر، تنظیم‌شده است. این سند فارغ از اینکه تا چه پایه موردپذیرش عموم قرار گیرد، می‌تواند مبنایی باشد برای بحث‌ها و گفتگوها پیرامون سند مادری که قرار است در فرداروز، مردم ایران زیر لوای آن زندگی کنند. مهم‌ترین ویژگی این قانون اساسی پیشنهادی، امکان تغییر نرم و دموکراتیک آن از مجرای مجلسی است که با رأی مردم انتخاب می‌شود. لذا هرگونه نقصان در آن، می‌تواند در اسرع وقت از جانب نمایندگان مردم اصلاح شود.

اصول و کلیات

اصل ۱: دموکراسی و مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب سال ۱۹٤۸)، اساسی‌ترین ارزش‌های کشور هستند که تا زمان برقراری قانون اساسی فعلی، همواره باید رعایت شوند و نهادهای حاکمیتی موظف‌اند در راه تحقق آن‌ها بکوشند.

اصل ۲: نام رسمی کشور «ایران» است، بدون هیچ پیشوند یا پسوندی.

اصل ۳: ایران کشوری است با ساختار جمهوری و دموکراتیک که در آن تمامی مردم - فارغ از مذهب، نژاد، جنسیت و عقیده - دارای حقوق برابر هستند.

اصل ۴: پرچم رسمی و سرود ملی کشور در اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی توسط این مجلس طراحی، و در اولین انتخابات سراسری درباره‌ی آن همه‌پرسی می‌شود. تا آن زمان، پرچم فعلی کشور باقی خواهد ماند.

تبصره: پرچم و سرود ملی جدید، در نخستین تغییر قانون اساسی، در متن قانون اساسی معرفی می‌شوند. تا آن زمان، تغییر پرچم و سرود ملی نیازمند رأی دو سوم اعضای مجلس شورای ملی است.

اصل ۵: زبان رسمی کشور فارسی است.

اصل ۶: الحاق بخشی به خاک کشور، یا جدا شدن بخشی از خاک کشور، نیازمند برگزاری همه‌پرسی در سطح تمام کشور است.

اصل ۷: تقسیم‌بندی‌های ارضی داخلی با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای ملی، یا با ابتکار مجلس شورای ملی به‌تنهایی، قابل‌تغییر است.

اصل ۸: ایران مرزهای بین‌المللی را که مورد تأیید سازمان ملل متحد باشد، و تنها همین مرزها را، به رسمیت می‌شناسد.

اصل ۹: اصل بر دوستی با کشورهایی است که سازمان ملل متحد وجود آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد.

اصل ۱۰: در سیاست‌گذاری‌های خارجی کشور و برقراری مناسبات با سایر کشورها، اصول مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر باید در نظر گرفته شود.

اصل ۱۱: کشور دین رسمی ندارد و کلیه‌ی ادیان می‌توانند آزادانه در کشور به انجام مناسک و ترویج عقاید خود بپردازند.

اصل ۱۲: قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه موظف به داشتن توجه ویژه به محیط‌زیست و حفظ آن برای نسل‌های آینده هستند.

اصل ۱۳: هیچ طرح و برنامه و قانونی نباید به قیمت به دست آمدن منافع عاجل، هزینه‌ای بیشتر از آن منافع عاجل بر نسل‌های آینده تحمیل کند.

اصل ۱۴: تقسیمات کشوری ایران به ترتیب عبارت‌اند از: استان، شهرستان، بخش، شهر، دهستان، روستا. این تقسیمات کما فی السابق برقرار خواهد بود، مگر اینکه طبق قانون در آن تغییراتی ایجاد کند.

حقوق شهروندان

اصل ۱۵: هر فرد متولد شده از پدر یا مادر ایرانی، دارای تابعیت ایران خواهد بود. سایر موارد تابعیت را مجلس شورای ملی مشخص می‌کند.

اصل ۱۶: سن رأی دادن در کلیه‌ی انتخابات، ۲۱ سال تمام است. هر فرد دارای تابعیت ایران که به این سن رسیده باشد، از حق دادن رأی برخوردار خواهد بود.

اصل ۱۷: در انتخابات منطقه‌ای (غیرملی) تنها افرادی می‌توانند رأی دهند، که متعلق به همان منطقه باشند. مصادیق تعلق به یک منطقه را قانون مشخص می‌کند.

اصل ۱۸: تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی، با هر گرایشی در کشور آزاد است، مگر احزابی که اساسنامه یا فعالیت‌های آن‌ها با محتوای قانون اساسی مغایر باشد. در صورت وجود چنین مغایرتی، هر یک از نمایندگان دولت یا نمایندگان مجالس (اعم از ملی و منطقه‌ای)

می‌توانند با طرح شکایت در شورای عالی حراست از قانون، و به حکم این شورا، مانع فعالیت چنین احزابی شوند.

اصل ۱۹: عضویت اعضای شورای عالی حراست از قانون در احزاب ممنوع است.

اصل ۲۰: عضویت اعضای ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی در احزاب ممنوع است.

اصل ۲۱: عضویت قضات در احزاب ممنوع است.

اصل ۲۲: هیچ انجمن یا تشکلی برای فعالیت نیازمند اخذ مجوز از هیچ نهاد حاکمیتی نیست. همچنین هیچ نهاد حاکمیتی نمی‌تواند فعالیت هیچ انجمن یا تشکلی را متوقف کند، مگر اینکه اساسنامه یا فعالیت‌های آن مغایر با قانون باشد.

تبصره: منظور از فعالیت‌ها، اقدامات عملی است، نه تبلیغات و اقدامات نظری. در این‌گونه موارد، هر یک از مقامات یا شهروندان،

می‌توانند با طرح دعوا در دادگاه، مانع ادامه فعالیت چنین انجمن‌ها و تشکل‌هایی شوند.

اصل ۲۳: تجمعات اعتراضی، بدون حمل سلاح، آزاد بوده و نیازمند کسب مجوز از هیچ نهادی نیست. اگر احزاب، سندیکاها و سایر انجمن‌های رسمی متولی تجمعی باشند، باید ۲٤ ساعت پیش از برگزاری، مراتب را به وزارت کشور اطلاع دهند.

تبصره ۱: در شرایطی که تجمعات مخل امنیت یا نظم عمومی باشند، پلیس می‌تواند با حکم قضایی و ذکر دلیل از تشکیل آن ممانعت کند.

تبصره ۲: چنانچه اخلال در امنیت و نظم عمومی نیازمند دخالت فوری پلیس باشد، پلیس می‌تواند بدون حکم قضایی اقدام کند. در این شرایط، در اولین فرصت دیوان عالی کشور در مورد ضرورت دخالت فوری پلیس تصمیم‌گیری خواهد کرد و درصورتی‌که دخالت فوری پلیس ضروری تشخیص داده نشود، مقامات مسئول پلیس طبق قانون مجازات خواهند شد.

اصل ۲۴: تأسیس رسانه‌ها (اعم از روزنامه، مجله، رادیو، تلویزیون، پایگاه‌های فضای مجازی و...) و نشر هرگونه محتوا، در راستای آزادی بیان بوده و نیازمند کسب مجوز از هیچ نهادی نیست.

اصل ۲۵: هیچ‌یک از نهادهای ذی‌ربط حق اعمال سانسور و محدود کردن آزادی بیان در رسانه‌ها ندارد، مگر محتواهایی که امنیت یا حیثیت شهروندان را به خطر می‌اندازد. تعیین مصادیق چنین محتواهایی بر عهده‌ی مجلس شورای ملی است.

اصل ۲۶: توقیف رسانه‌ها نیازمند حکم قضایی است. این حکم باید مبتنی بر محدودیت‌های محتوایی‌ای باشد که توسط مجلس شورای ملی تعیین می‌شود.

اصل ۲۷: تأسیس مؤسسات آموزشی خصوصی، اعم از مدارس، دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش فنی و غیره، مشروط به اینکه مفاد آموزشی آن‌ها مخالف با قانون نباشد، آزاد است.

اصل ۲۸: اصل بر برائت و بی‌گناهی افراد است.

اصل ۲۹: نمی‌توان کسی را به‌موجب قانونی که بعد از عمل او تصویب شده مجرم دانست.

اصل ۳۰: اصل تناسب مجازات با جرم باید در قوانین لحاظ شود.

اصل ۳۱: هیچ‌کس را نمی‌توان بدون آن‌که فوراً اتهام یا اتهاماتش به وی اعلام و از امکان فوری داشتن وکیل برخوردار گردد، دستگیر یا بازداشت نمود. همچنین دادگاه باید در اسرع وقت با امکان حضور متهم و وکیل او برگزار شود. در صورت ناتوانی متهم از استخدام وکیل، قوه‌ی قضائیه وکیلی در اختیار متهم قرار می‌دهد. همچنین باید در اسرع وقت خانواده و نزدیکان متهم (به انتخاب متهم) از مکان و وضعیت او آگاه شوند.

اصل ۳۲: ورود به اماکن خصوصی بدون اجازه‌ی مالک ممنوع است، مگر در مواردی که قاضی حکم صادر کند. چنانچه در شرایطی تأخیر در ورود به اماکن خصوصی مستلزم خدشه به امنیت عمومی باشد، طبق مراتبی که قانون تعیین می‌کند، می‌توان به اماکن خصوصی وارد شد.

تبصره: بعد از ورود بدون مجوز به ملک خصوصی، مالک می‌تواند از مأموران به دستگاه قضایی شکایت کند. چنانچه قاضی ورود بدون مجوز به ملک خصوصی را ضروری تشخیص ندهد، مسئولین امر مجازات خواهند شد.

اصل ۳۳: بازرسی املاک خصوصی و ساختمان‌های دولتی تنها با حکم قضایی ممکن است. حکم قضایی باید منطبق با قوانینی صادر شود که موارد مجاز صدور حکم قضایی بازرسی املاک را تعیین می‌کند.

اصل ۳۴: بازرسی املاک خصوصی باید با حضور صاحب ملک یا نماینده‌ی او و بازرسی ساختمان‌های دولتی با حضور مسئول دولتی ساختمان یا نماینده‌ی او انجام شود. بازرسی تنها زمانی بدون حضور این افراد انجام می‌شود که دسترسی به آن‌ها (به علت فراری بودن و...) ممکن نبوده یا فوریتی (مثل خطر امنیتی و...) در کار باشد. در این صورت باید در حکم قضایی جواز بازرسی بدون حضور این افراد ذکر شده باشد.

اصل ۳۵: آموزش به هر زبان بومی و غیربومی، نیز آموزشِ هر زبان بومی و غیربومی در کشور (چه در دانشگاه چه در مدرسه و چه در سایر مراکز آموزشی) مجاز است.

اصل ۳۶: مدارس باید آموزش زبان فارسی را تا حدی که هر شهروند ایرانی با استعدادهای متوسط بتواند تا پایان تحصیلات ابتدایی به این زبان گفتار و نوشتار کند، آموزش دهند.

اصل ۳۷: آموزش‌های ابتدایی و متوسطه برای کودکان و نوجوانان اجباری است و تنها افرادی که قانون‌گذاران مجلس شورای ملی تعیین می‌کنند از این قانون مستثنا هستند.

اصل ۳۸: دولت موظف است امکان تحصیلات ابتدایی و متوسطه ی رایگان را در حد نیاز در کل کشور فراهم آورد.

اصل ۳۹: لازم است اعتلای محیط فیزیکی مدارس و همچنین کیفیت آموزشی از اولویت‌های دولت باشد.

اصل ۴۰: آموزش اصول دموکراسی و حقوق بشر و حقوق شهروندی در مدارس الزامی است.

اصل ۴۱: کودکان زیر ۱۲ سال حق کار کردن ندارند. نوجوانان بین ۱۲ تا ۱۸ سال تنها به‌صورت پاره‌وقت (که قانون میزان آن را مشخص می‌کند) بدون اینکه مجبور شوند و تنها به‌موازات تحصیل مجاز به انجام کار هستند.

اصل ۴۲: دولت موظف است امکان تحصیل رایگان در دانشگاه را، حداقل به میزان ۲۰ درصد ظرفیت دانشگاه‌های کشور، فراهم کند.

اصل ۴۳: حق مالکیت خصوصی به رسمیت شناخته می‌شود. دولت می‌تواند بنا بر مصالح عمومی، در مواردی که قانون اجازه می‌دهد، برخی از مالکیت‌های خصوصی را، به شرط پرداخت بهای حقیقی آن‌ها به مالک، لغو کند.

اصل ۴۴: حق مالکیت معنوی داخل و خارج از مرزهای کشور به رسمیت شناخته می‌شود.

اصل ۴۵: هیچ‌کس را نمی‌توان برخلاف میلش به خدمت نظامی وادار کرد.

اصل ۴۶: دولت و مجلس شورای ملی باید بکوشند که تمام نقاط کشور به لحاظ دسترسی به امکانات وضعیت مشابهی داشته باشند.

اصل ۴۷: دولت موظف است برای کودکان، افراد بی‌سرپرست، سالمندان، معلولین، از کار افتادگان و تمامی کسانی که به هر دلیلی ناتوان از تأمین حداقل‌های زندگی هستند، مطابق استانداردهایی که مجلس شورای ملی تعریف می‌کند، حداقل‌های زندگی را فراهم کند.

اصل ۴۸: دولت‌ها موظف به تأمین امکانات بهداشتی و درمانی رایگان برای افراد بی‌بضاعت هستند.

اصل ۴۹: مکاتبات و مراسلات افراد حقیقی و حقوقی، اعم از فیزیکی یا الکترونیکی، مصون از بازرسی هستند، مگر در شرایطی که قانون مشخص می‌کند.

اصل ۵۰: کلیه‌ی منابع طبیعی متعلق به تمامی مردم ایران است و واگذاری مالکیت آن‌ها به بخش خصوصی مجاز نیست.

اصل ۵۱: دخل و خرج کلیه‌ی نهادها و سازمان‌هایی که از بودجه‌ی عمومی بهره‌مند می‌شوند باید به‌صورت شفاف و به‌روز در اختیار مردم و رسانه‌ها قرار بگیرد، مگر اینکه ملاحظات امنیتی یا ملاحظات خاص مانع آن شود. مجلس شورای ملی این ملاحظات و مصادیق آن‌ها را تعریف می‌کند. تطبیق موارد با این ملاحظات و مصادیق با قوه‌ی قضائیه است.

شورای عالی حراست از قانون

اصل ۵۱: تفسیر قانون اساسی با شورای عالی حراست از قانون است.

اصل ۵۲: شورای عالی حراست از قانون وظیفه‌ی تطبیق میان قوانین پایین‌دستی و بالادستی را دارد، تا در صورت وجود تعارض، قوانین پایین‌دستی را ملغی کند. شورای عالی حراست از قانون موظف است به‌محض کشف یا اطلاع از چنین مغایرتی، لغو قانون مذکور را به مجلس پایین‌دستی مربوطه اعلام کند.

اصل ۵۳: اعضای شورای عالی حراست از قانون ۲۱ نفر هستند. در اولین دوره، به دلیل کثرت وظایف، شمار این اعضاء ۳۵ نفر خواهد بود. هرگاه تعداد شورا به کمتر از ۲۱ نفر رسید، فرایند تکمیل ظرفیت شورا آغاز می‌شود.

اصل ۵۴: اعضای شورای عالی حراست از قانون، با معرفی رئیس‌جمهور و رأی اکثریت اعضای مجلس شورای ملی برای هر

مدت تا رسیدن به سن ۷۵ سالگی انتخاب می‌شوند. در صورت درگذشت یا عبور هر یک از اعضای شورا از ۷۵ سال، رئیس‌جمهور موظف است به تعداد لازم نامزد برای عضویت در این شورا به مجلس معرفی کند. چنانچه رئیس‌جمهور ظرف مدت ۱ ماه کسی را برای تصدی کرسی خالی معرفی نکند، مجلس می‌تواند رأساً عضو موردنیاز برای تکمیل شورا را با رأی اکثریت انتخاب کند.

اصل ۵۵: برای جلوگیری از تأثیر بیش‌ازحد نخستین رئیس‌جمهور منتخب بر اساس این قانون اساسی، اعضای نخستین دوره‌ی شورای عالی حراست از قانون با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. این اعضا در هنگام انتخاب شدن باید بیش از ۶۰ سال سن داشته باشند. همچنین برای دوره‌های بعدی، نامزدهای شورای عالی حراست از قانون باید بیش از ۵۵ سال سن داشته باشند.

اصل ۵۶: چنانچه بیش از نیمی از اعضای شورای عالی حراست از قانون هم‌زمان ناتوان از خدمت شوند، برای پر کردن کرسی‌های

خالی، مانند اولین دوره‌ی تشکیل این شورا، انتخابات عمومی برگزار می‌شود.

اصل ۵۷: در منازعات میان قوای سه‌گانه، رأی شورای عالی حراست از قانون فصل‌الخطاب است.

اصل ۵۸: عالی‌ترین مرجع نظارت بر کلیه‌ی انتخابات کشور، شورای عالی حراست از قانون است. در مورد انتخابات غیر از انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای ملی، شورای عالی حراست از قانون می‌تواند بخشی از اختیارات خود را (غیر از تأیید صحت انتخابات) به سایر بخش‌های دولتی تفویض کند. صحت کلیه‌ی انتخابات نیاز به تأیید شورای عالی حراست از قانون دارد. رسیدگی به اعتراضات مربوط به انتخابات نیز با این شورا است.

اصل ۵۹: هر یک از اعضای شورای عالی حراست از قانون را می‌توان با رأی دو سوم اعضای مجلس شورای ملی خلع کرد.

اصل ۶۰: داشتن هرگونه سمت و شغل دولتی و خصوصی دیگر برای اعضای شورای عالی حراست از قانون ممنوع است.

قوه‌ی مجریه

اصل ۶۱: قوای اجرایی کشور عبارت‌اند از هیئت دولت به ریاست رئیس‌جمهور، استانداران، فرمانداران، بخشداران، شهرداران، دهداران و دهیاران.

اصل ۶۲: بالاترین مقام کشور رئیس‌جمهور است.

اصل ۶۳: رئیس‌جمهوری باید علاوه برداشتن تابعیت ایرانی، از پدر و مادری متولد شده باشد که در زمان تولد او تابعیت ایرانی داشته باشند.

اصل ۶۴: حداقل سن رئیس‌جمهور در نخستین روز تصدی مقام ٤٥ سال، و حداکثر آن ٦٥ سال است.

اصل ۶۵: نامزدهای ریاست جمهوری باید سابقه‌ی حداقل ۱۰ سال کار در نهادهای حاکمیتی دولت (وزارتخانه‌ها و...) یا مجالس شورای ملی، استانی، شهری (در شهرهای بزرگ) یا سمت‌های

استاندار و شهردار (در شهرهای بزرگ) فعالیت کرده باشد یا ۱۵ سال سابقه‌ی عضویت در احزاب را داشته باشد.

تبصره: این اصل، ۱٦ سال پس از تصویب این قانون اساسی اجرایی می‌شود. تا آن زمان، شرایط نامزدهای ریاست جمهوری توسط نخستین مجلس شورای ملی تعیین می‌شود.

اصل ۶۶: هر دوره‌ی ریاست جمهوری ٤ سال است و هیچ‌کس مطلقاً تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند برای مدت بیش از ۸ سال وظایف رئیس‌جمهور را بر عهده بگیرد. (زمانی که معاون رئیس‌جمهوری، رئیس مجلس یا یکی از نمایندگان مجلس بنا بر ضرورت وظایف رئیس‌جمهور را بر عهده می‌گیرد، داخل در این زمان محسوب می‌شود.)

اصل ۶۷: به جهت خو گرفتن رجال سیاسی و مردم به گردش قدرت، و همچنین به دلیل کاستن از احتمال بازگشت شخص محوری به فضای سیاسی کشور، سه رئیس‌جمهور اولی که بر طبق این قانون اساسی انتخاب می‌شوند، تنها یک دوره حق احراز پست

ریاست جمهوری را داشته، بعدازاین سه دوره نیز نمی‌توانند این پست را مجدداً احراز کنند.

اصل ۶۸: نامزدهای ریاست جمهوری در هنگام ثبت‌نام برای انتخابات، باید معاون خود را نیز معرفی کنند.

اصل ۶۹: هرگاه در انتخابات ریاست جمهوری هیچ‌یک از نامزدها موفق به کسب بیش از پنجاه درصد آرای صحیح نشوند، دو نامزدی که بیشترین رأی را در دور اول کسب کنند، به دور دوم می‌روند. فردی که در دور دوم بیش از پنجاه درصد آرای صحیح را کسب کند، رئیس‌جمهور خواهد بود.

اصل ۷۰: درصورتی‌که یکی از نامزدهای راه‌یافته به دور دوم انتخابات به هر علتی تا پایان رأی‌گیری دور دوم در عرصه نماند، انتخابات مجدداً برگزار خواهد شد.

اصل ۷۱: در انتخابات ریاست جمهوری، علاوه بر شورای عالی حراست از قانون، هیئتی از سازمان ملل متحد نیز بر برگزاری

انتخابات نظارت خواهد داشت. تأیید صحت انتخابات علاوه بر نظر شورای عالی حراست از قانون، منوط بر نظر این هیئت نیز هست.

اصل ۷۲: درصورتی‌که رئیس‌جمهوری فوت کند یا به دلایلی قادر به ادامه مسئولیت خود نباشد، معاون وی تا پایان دوره جانشین او خواهد شد. درصورتی‌که مشکل مشابهی برای معاون وی پیش آید، انتخابات ریاست جمهوری زودرس انجام خواهد شد و تا زمان برگزاری انتخابات، وظایف ریاست جمهوری به رئیس مجلس و در صورت معذور بودن او به یکی از نمایندگان مجلس که توسط سایر نمایندگان انتخاب شده باشد محول می‌گردد.

اصل ۷۳: رئیس‌جمهور می‌تواند در موضوعات مهم سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی با برگزاری همه‌پرسی به آرای عمومی مراجعه کند. نتیجه‌ی همه‌پرسی بر نظر مجلس شورای ملی و تمامی مجالس محلی اولویت دارد.

اصل ۷۴: دولت برای هرگونه استقراض یا اعطای وام (اعم از داخلی و خارجی)، باید موافقت مجلس را کسب کند. همچنین دولت برای انتشار اوراق قرضه، نیازمند اجازه‌ی مجلس است.

اصل ۷۵: دولت می‌تواند قوانینی را برای تصویب به مجلس پیشنهاد کند. مجلس موظف است این قوانین را به بحث و رأی‌گیری بگذارد.

اصل ۷۶: مجلس موظف است لوایح پیشنهادی دولت را حداکثر ظرف ۳۰ روز کاری به بحث و رأی‌گیری بگذارد.

اصل ۷۷: رئیس‌جمهور وزرا را تعیین، و ظرف ۱۵ روز از زمان در اختیار گرفتن دولت، جهت اخذ رأی اعتماد به مجلس شورای ملی معرفی می‌کند. هر وزیر با رأی مثبت اکثریت مجلس شورای ملی، رأی اعتماد می‌گیرد.

اصل ۷۸: علاوه بر وزرا، رئیس بانک مرکزی و رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز می‌باید از مجلس شورای ملی رأی اعتماد بگیرند.

اصل ۷۹: مجلس هر زمان می‌تواند با رأی اکثریت، وزرا، رئیس بانک مرکزی و رئیس سازمان برنامه و بودجه را عزل کند.

اصل ۸۰: در صورت عزل، استعفا یا هر شرایط دیگری که باعث شود یکی از وزرا یا رئیس بانک مرکزی یا رئیس سازمان برنامه و بودجه از سمت خود کنار رود، رئیس‌جمهور می‌تواند به مدت ۲ ماه برای آن سمت سرپرست تعیین کند.

اصل ۸۱: نظامیان و نیروهای پلیس سابق تنها در صورتی می‌توانند مناصب دولتی را احراز کنند که به‌اندازه‌ی نصف طول خدمت نظامی و انتظامی آن‌ها از زمان خروجشان از ارتش یا پلیس گذشته باشد. پست وزارت دفاع از این قانون مستثنا است.

اصل ۸۲: داشتن هرگونه سمت و شغل دولتی و خصوصی دیگر برای اعضای هیئت دولت، معاونین اعضای هیئت دولت و مدیرکل وزارتخانه‌ها ممنوع است.

اصل ۸۳: ترکیب هیئت دولت را مجلس شورای ملی مشخص می کند.

اصل ۸۴: ریاست هیئت دولت با رئیس‌جمهور است. رئیس‌جمهور اختیار عزل اعضای هیئت دولت را دارد.

اصل ۸۵: ساختار دولت توسط مجلس شورای ملی تعیین می‌شود. دولت می‌تواند برای انجام تغییرات در ساختار خود، به مجلس شورای ملی پیشنهاد دهد و مجلس موظف است دراین‌باره بحث و رأی‌گیری کند.

اصل ۸۶: اعضای هیئت دولت در اولین روز انتصابشان، باید حداقل ٤٠ و حداکثر ٦٥ سال سن داشته باشند.

اصل ۸۷: تهیه‌ی لایحه‌ی بودجه‌ی کشور بر عهده‌ی دولت بوده و قانونی شدن آن نیازمند تصویب مجلس است.

اصل ۸۸: دولت موظف است لایحه‌ی بودجه‌ی سال آینده را حداکثر تا آخرین روز پاییز تقدیم مجلس کند.

اصل ۸۹: هرگاه به هر دلیلی تا پیش از شروع سال جدید لایحه بودجه به تصویب مجلس نرسد، تا زمان تصویب لایحه‌ی بودجه، بودجه‌ی سال گذشته ملاک عمل قرار می‌گیرد.

اصل ۹۰: تخصیص بودجه به مناطق مختلف کشور، باید در راستای کاهش اختلاف اقتصادی میان مناطق مختلف کشور باشد.

اصل ۹۱: اعطای نشان‌های ملی از اختیارات رئیس‌جمهور است.

اصل ۹۲: صدور فرمان عفو، پس از مشورت با رئیس دستگاه قضایی، از اختیارات رئیس‌جمهور است.

اصل ۹۳: تنها قوای نظامی کشور ارتش است که فرمانده آن از میان ارتشیانی که بیش از ۲ سال به بازنشستگی آن‌ها نمانده باشد، توسط رئیس‌جمهور تعیین و با رأی اکثریت نمایندگان مجلس برای مدت ۲ سال در این سمت قرار می‌گیرد. در این صورت، عبور از سن بازنشستگی مانع فعالیت فرمانده ارتش نیست. همچنین هیچ‌کس نمی‌تواند برای بیش از ۲ سال فرمانده ارتش باشد. مگر در زمان جنگ، که فرماندهی ارتش تا ۲ سال دیگر نیز قابل تمدید است.

تبصره: فرماندهان شاخه‌های مختلف ارتش (نیروی زمینی، نیروی هوایی و نیروی دریایی) توسط فرمانده ارتش برای مدت ۲ سال، از میان کسانی که بیش از ۳ سال به بازنشستگی آن‌ها نمانده باشد، انتخاب می‌شوند. در این صورت، عبور از سن بازنشستگی مانع فعالیت این فرماندهان نیست.

اصل ۹۴: تنها قوای انتظامی کشور نیروی پلیس است که فرمانده آن از میان نیروهای پلیسی که بیش از ٤ سال به بازنشستگی آن‌ها نمانده باشد، توسط رئیس‌جمهور تعیین و با رأی اکثریت نمایندگان

مجلس برای مدت ٤ سال در این سمت قرار می‌گیرد. در این صورت، عبور از سن بازنشستگی مانع فعالیت فرمانده نیروی پلیس نیست.

اصل ۹۵: رئیس‌جمهور می‌تواند با کسب رأی دو سوم مجلس شورای ملی اعلام جنگ، آتش‌بس یا صلح کند.

اصل ۹۶: دولت می‌تواند برای ۷ روز اعلام حکومت‌نظامی کند. ادامه حکومت‌نظامی برای زمان بیشتر نیازمند تصویب مجلس است.

اصل ۹۷: مذاکره در مورد معاهدات بین‌المللی و انعقاد آن‌ها بر عهده‌ی رئیس‌جمهور است. اما معاهداتی که الزامات قانونی به همراه می‌آورند، علاوه بر تصویب رئیس‌جمهوری، نیازمند تصویب مجلس نیز هست.

اصل ۹۸: برگزاری تمامی انتخابات بر عهده‌ی کمیسیونی - که کمیسیون انتخابات خوانده می‌شود - متشکل از تعداد مساوی نمایندگان دولت و نمایندگان مجلس و یکی از اعضای شورای

عالی حراست از قانون قرار دارد. ریاست جلسات این شورا بر عهده‌ی عضو شورای عالی حراست از قانون است. تصمیمات این کمیسیون بر اساس آیین‌نامه‌ای داخلی اتخاذ می‌شود. این آیین‌نامه و هرگونه تغییری در آن باید به تصویب مجلس شورای ملی و دولت برسد. همچنین این کمیسیون می‌تواند اختیارات خود را در زمینه‌ی انتخابات منطقه‌ای به نهادهایی از مناطق واگذار کند. جزئیات برگزاری انتخابات را مجلس شورای ملی تعیین می‌کند.

اصل ۹۹: اداره‌ی منابع طبیعی بر عهده‌ی دولت است، که آن‌ها را به‌موجب قانون اداره می‌کند. دولت می‌تواند در چهارچوبی که قانون مقرر می‌کند، اداره و بهره‌برداری از منابع طبیعی را به غیر واگذار کند.

اصل ۱۰۰: محدوده‌ی وظایف و اختیارات وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها، شهرداری‌ها، دهداری‌ها و دهیاری‌ها توسط مجلس شورای ملی تعیین می‌گردد.

اصل ۱۰۱: استانداران، فرمانداران، بخشداران، شهرداران، دهداران و دهیاران از طریق انتخابات منطقه‌ای، به مدت ٤ سال انتخاب می‌شوند.

اصل ۱۰۲: کلیه‌ی قوای اجرایی که دایره‌ی مسئولیتشان به منطقه‌ای با جمعیت بیش از ۵۰ هزار نفر گسترده است، باید سهمیه‌ای را از استخدام نیروهای دولتی به معلولانی اختصاص دهد که قادر به انجام مسئولیت‌های محوله هستند. کم و کیف این قانون را مجلس شورای ملی تعیین می‌کند.

اصل ۱۰۳: مدیران رسانه‌های دولتی توسط شورایی مرکب از تعداد مساوی نمایندگان دولت و نمایندگان مجلس شورای ملی و یکی از اعضای شورای عالی حراست از قانون انتخاب می‌شوند. ریاست جلسات این شورا بر عهده‌ی عضو شورای عالی حراست از قانون است. تصمیمات این شورا بر اساس آیین‌نامه‌ای داخلی اتخاذ می‌شود. این آیین‌نامه و هرگونه تغییری در آن باید به تصویب مجلس شورای ملی و دولت برسد.

قوه‌ی مقننه

اصل ۱۰۴: کلیه‌ی قوانین جاری گذشته‌ی کشور، یعنی قوانین جاری در دوران «جمهوری اسلامی»، که مغایرت صریحی با قانون اساسی فعلی ندارند، تا زمان جایگزینی با قانون دیگر نافذ خواهند بود. اولویت کاری شورای عالی حراست از قانون و مجلس شورای ملی شناسایی قوانین مغایر با قانون اساسی فعلی از میان قوانین جاری گذشته، و اصلاح آن‌ها در اسرع وقت است به شکلی که با قانون اساسی فعلی مطابقت داشته باشند.

اصل ۱۰۵: هرکدام از واحدهای تقسیمات کشوری دارای مجلس شورا هستند که اعضای آن هر ٤ سال یک بار در انتخابات مشخص می‌شوند. مجالس مذکور، می‌توانند در محدوده‌ی خود به وضع قوانین، مادامی‌که با قوانین بالادستی منافات نداشته باشد اقدام کنند.

تبصره ۱: میان انتخابات مسئول اجرایی هر منطقه (استانداران، فرمانداران، بخشداران، شهرداران، دهداران و دهیاران) و انتخابات

مجلس شورای همان منطقه باید ۲ سال فاصله باشد. درصورتی‌که به هر دلیلی - مثل برگزاری انتخابات زودرس مسئول اجرایی یا مجلس شورای منطقه - این زمان‌بندی بر هم بخورد، در اولین فرصت با تدبیر شورای عالی حراست از قانون این نظم مجدداً برقرار می‌شود.

تبصره ۲: منظور از قوانین بالادستی و پایین‌دستی، قوانینی است که در سلسله‌مراتب تقنینی کشور (که در رأس آن مجلس شورای ملی و پایین‌تر از آن به ترتیب مجلس استان، مجلس شهرستان، مجلس بخش، مجلس شهر یا دهستان و مجلس روستا قرار دار) تصویب می‌شوند.

اصل ۱۰۶: نمایندگان مجلس شورای ملی برای ٤ سال انتخاب می‌شوند.

اصل ۱۰۷: جلسات کلیه‌ی مجالس با نیم بعلاوه یک اعضا رسمیت پیدا می‌کند.

اصل ۱۰۸: تفسیر قوانین عادی که در مجالس تصویب می‌شود، بر عهده‌ی همان دوره از هر مجلس است که آن قانون را تصویب کرده. بعد از پایان دوره‌ی کاری آن مجلس، تفسیر قانون بر عهده ی شورای عالی حراست از قانون است.

اصل ۱۰۹: تعداد اعضای مجالس، و اینکه به ازای هر چند شهروند یک نماینده به مجالس وارد می‌شود، در اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی تعیین می‌شود. در اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی، به ازای هر ۳۰۰ هزار شهروند، یک نماینده برای مجلس شورای ملی برگزیده می‌شود.

اصل ۱۱۰: هر استان، فارغ از میزان جمعیتش، دو نماینده‌ی استانی در مجلس دارد که توسط مردم هر استان هم‌زمان با انتخاب نمایندگان حوزه‌های انتخاباتی، انتخاب می‌شوند.

اصل ۱۱۱: مجلس شورای ملی در اولین دوره‌ی کاری خود قانون تفصیلی انتخابات کشور را تنظیم می‌کند.

اصل ۱۱۲: زمان‌بندی انتخابات باید به‌گونه‌ای باشد که میان انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای ملی ۲ سال فاصله باشد. درصورتی‌که به هر دلیلی - مثل برگزاری انتخابات زودرس ریاست جمهوری یا مجلس شورای ملی - این زمان‌بندی بر هم بخورد، در اولین فرصت با افزایش طول دوره‌ی مجلس شورای ملی این نظم مجدداً برقرار می‌شود.

اصل ۱۱۳: نامزدهای مجلس شورای ملی باید سابقه‌ی حداقل ۵ سال کار در نهادهای حاکمیتی دولت (وزارتخانه‌ها و...) یا مجالس استانی و شهرستانی و شهری (در شهرهای متوسط یا بزرگ) یا سمت‌های استاندار و فرماندار و شهردار (در شهرهای متوسط یا بزرگ) یا ۱۰ سال سابقه عضویت در احزاب را داشته باشند.

تبصره: این اصل، ۱۱ سال پس از تصویب این قانون اساسی اجرایی می‌شود. تا آن زمان، شرایط نامزدهای مجلس شورای ملی توسط نخستین مجلس شورای ملی تعیین می‌شود.

اصل ۱۱۴: چنانچه هر یک از نمایندگان مجالس به هر دلیلی از انجام وظایف نمایندگی خود بازبماند، طبق ساز و کاری که مجلس شورای ملی مشخص می‌کند جانشینی برای او تعیین می‌شود تا باقی مانده‌ی دوره‌ی ٤ ساله را به اتمام برساند.

اصل ۱۱۵: نامزدهای مجالس شورای استان، شهرستان، بخش و شهر باید حداقل سابقه ۳ سال کار در نهادهای حاکمیتی دولت (وزارتخانه‌ها و...) یا مجلس شهرستان و بالاتر (برای نامزدهای مجلس استان و شهرهای بزرگ)، مجلس بخش و بالاتر (برای نامزدهای مجلس شهرستان و شهرهای متوسط)، مجلس شهر-دهستان و بالاتر (برای نامزدهای مجلس بخش)، مجلس روستا و بالاتر (برای نامزدهای مجلس دهستان) یا سمت‌های فرماندار و بالاتر (برای نامزدهای مجلس استان و شهرهای بزرگ)، بخشدار و بالاتر (برای نامزدهای مجلس شهرستان و شهرهای متوسط)، شهردار-دهدار و بالاتر (برای نامزدهای مجلس بخش) و دهیار و بالاتر (برای نامزدهای مجلس دهستان) فعالیت کرده باشد یا ۵ سال سابقه‌ی عضویت در احزاب را داشته باشند.

تبصره: این اصل، ٦ سال پس از تصویب این قانون اساسی اجرایی می‌شود. تا آن زمان، شرایط نامزدهای فوق توسط نخستین مجلس شورای ملی تعیین می‌شود.

اصل ۱۱۶: شرایط عمومی نامردهای کلیه‌ی انتخابات کشور، علاوه بر شرایطی که در این قانون اساسی ذکر شده، توسط مجلس شورای ملی تعیین می‌شود.

اصل ۱۱۷: انتخابات مجالس شورای استان و شورای بخش با انتخابات ریاست جمهوری، و انتخابات مجالس شورای شهرستان و شورای شهر-دهستان با انتخابات مجلس شورای ملی برگزار می‌گردد. انتخابات مجالس شورای روستا، در زمانی که مجلس دهستان مربوط به هر روستا تعیین می‌کند، برگزار می‌شود.

اصل ۱۱۸: حداقل سن نمایندگان مجلس شورای ملی در نخستین روز تصدی مقام ۳۵ سال، و حداکثر آن ۷۱ سال است.

اصل ۱۱۹: حداقل سن عضویت در مجالس شورای استان، شهرستان و شهرهای بزرگ ۳۰ سال، حداقل سن عضویت در مجالس شورای بخش و شهرهای متوسط ۲۷ سال و حداقل سن عضویت در مجالس شورای دهستان و شهرهای کوچک ٢٤ سال است. حداکثر سن برای اعضای تمامی این مجالس در نخستین روز تصدی مقام ۷۱ سال است.

اصل ۱۲۰: جلسات مجالس علنی است و جلسات غیرعلنی با درخواست حداقل ده درصد اعضای هر یک از مجالس انجام می‌گیرد.

اصل ۱۲۱: جلسات مجلس شورای ملی با درخواست رئیس‌جمهوری به‌صورت غیرعلنی برگزار می‌شود.

اصل ۱۲۲: تمام محتوای جلسات علنی و غیرعلنی مجالس، ازجمله آرای نمایندگان همراه با ذکر نظر هر یک از نمایندگان باید ثبت شده، در اختیار افکار عمومی قرار گیرد.

اصل ۱۲۳: محتوای جلسات غیرعلنی مجالس، طبق ضوابطی که قانون مشخص می‌کند، منتشر می‌شود.

اصل ۱۲۴: نماینده‌های شورای عالی حراست از قانون، دولت و قوه‌ی قضائیه می‌توانند در کلیه‌ی جلسات مجالس شرکت کرده و در صورت کسب اجازه از هیئت‌رئیسه، از تریبون مجالس استفاده کنند.

اصل ۱۲۵: قوانین کلیه‌ی مجالس برای تصویب باید به شورای عالی حراست از قانون فرستاده شود. شورای عالی حراست از قانون ۱۵ روز برای اظهارنظر فرصت دارد. چنانچه ظرف ۱۵ روز اظهارنظری از جانب شورای عالی حراست از قانون صورت نگیرد، نظر این شورا مثبت تلقی می‌شود.

اصل ۱۲۶: قوانین مجلس شورای ملی، علاوه بر تصویب شورای عالی حراست از قانون، به امضای رئیس‌جمهور نیز نیازمند است. رئیس‌جمهور حداکثر ۷ روز پس از اعلام نظر شورای عالی حراست

از قانون مهلت دارد تا قوانین را امضا کند. رئیس‌جمهور پیش از اتمام این مهلت، می‌تواند از مجلس تقاضای بازبینی قانون را داشته باشد و مجلس موظف به بازطرح قانون و رأی‌گیری مجدد است. در این صورت، رئیس‌جمهور ۷ روز دیگر برای امضای قانونی که مجدداً رأی‌گیری شده فرصت دارد. چنانچه رئیس‌جمهور از امضای قانونی امتناع کند، قانون کان لم یکن تلقی می‌شود.

اصل ۱۲۷: چنانچه قانونی با حداقل دو سوم آرای نمایندگان تصویب شده باشد، نیاز به تصویب شورای عالی حراست از قانون و رئیس‌جمهور ندارد.

اصل ۱۲۸: هر مجلس شورای بالادستی - که در رأس آن مجلس شورای ملی، و در پایین آن به ترتیب مجالس شورای استانی، شهرستانی، بخشی و دهستانی قرار دارند - می‌تواند با دو سوم آراء، به ترتیب استاندار، فرماندار، بخشدار، شهردار-دهدار و دهیار را عزل کنند.

اصل ۱۲۹: روسای کلیه‌ی مجالس، برای یک دوره‌ی ۱ ساله توسط نمایندگان هر مجلس انتخاب می‌شوند. هرکس می‌تواند به دفعات نامحدود به ریاست مجلس انتخاب شود.

اصل ۱۳۰: مجلس اختیار استیضاح و خلع رئیس‌جمهور را دارد. استیضاح با درخواست نیمی از نمایندگان صورت می‌گیرد، و با رأی حداقل دو سوم نمایندگان، رئیس‌جمهور از سمت خود خلع و انتخابات ریاست جمهوری زودرس انجام می‌گردد.

اصل ۱۳۱: مجلس اختیار استیضاح و سلب رأی اعتماد از وزیران را دارد. استیضاح با درخواست یک سوم نمایندگان صورت می‌گیرد، و با رأی اکثریت نمایندگان، رأی اعتماد از وزیر سلب و وی از وزارت خلع می‌شود.

اصل ۱۳۲: شهروندان این حق را دارند که لایحه‌ای را برای بررسی و تصویب به مجلس شورای ملی یا مجالس منطقه‌ای ارسال کنند. به این منظور، بعد از تنظیم شدن لایحه‌ی فوق، باید یک درصد

جمعیت واجد شرایط رأی دادن در انتخابات مجلس شورای ملی یا منطقه‌ی مربوطه آن لایحه را امضا کنند. در این صورت، فرد یا نهادی که مسئولیت جمع‌آوری امضاء را رسماً بر عهده دارد (که باید قبلاً اقدام خود را به اطلاع مراجع رسمی رسانده باشد و جمع‌آوری امضاء در پایگاهی (مجازی یا حقیقی) که بی‌طرف ولی مورد تأیید مراجع رسمی باشد، انجام گیرد) یا نماینده‌ای که آن فرد یا نهاد معرفی می‌کند، می‌تواند در روز بحث درباره‌ی لایحه‌ی مذکور، در مجلس حاضر شده و از لایحه‌ی خود دفاع کند.

اصل ۱۳۳: هر قانون، پس از طی کردن مراحل لازم (مجلس، شورای عالی حراست از قانون و دولت)، در فردای روزی که تصویب می‌شود می‌بایست به اطلاع عموم رسانده شود.

اصل ۱۳۴: هر قانون ۱۵ روز پس از انتشار رسمی خبر تصویب آن لازم‌الاجرا است.

اصل ۱۳۵: دیوان محاسبات کشور، به‌منظور بررسی نحوه‌ی هزینه کردهای بودجه در سازمان‌ها و نهادهایی که به نحوی از انحاء از بودجه‌ی عمومی استفاده می‌کند، تشکیل می‌شود. رئیس دیوان با پیشنهاد هر یک از نمایندگان مجلس و تصویب اکثریت مجلس، برای ٤ سال انتخاب می‌شود و گزارش خود را مستقیماً به مجلس ارائه می‌کند. رئیس دیوان نباید از میان نمایندگان انتخاب شود. همچنین این سازمان وظیفه دارد اموال مسئولان و کارمندانی را که از بودجه‌ی عمومی حقوق دریافت می‌کنند تحت نظارت قرار داده و در صورت مشاهده‌ی تخلف، موارد را به مجلس اعلام کند. عزل رئیس سازمان تنها با رأی دو سوم اعضای مجلس شورای ملی ممکن است. شرح تفصیلی وظایف دیوان محاسبات کشور توسط مجلس شورای ملی تعیین می‌شود.

اصل ۱۳۶: مجلس شورای ملی می‌تواند به‌منظور تحقیق و تفحص از نهادها و سازمان‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه‌ی عمومی استفاده می‌کند، کمیسیون‌هایی تشکیل دهد. نهادها و سازمان‌های

مذکور موظف به همکاری برای پیشرفت تحقیق و تفحص این کمسیون‌ها هستند.

اصل ۱۳۷: قوانین بین‌المللی که کشور بر طبق ساز و کار تعیین‌شده آن‌ها را می‌پذیرد، در قوانین کشور نافذ بوده، به‌عنوان قانون بالادستی عمل می‌کنند و لازم است کلیه‌ی قوانین کشور (غیر از قانون اساسی) با آن تطبیق پیدا کنند. وظیفه‌ی بررسی این تطبیق، بر عهده‌ی شورای عالی حراست از قانون است.

اصل ۱۳۸: کلیه‌ی مجالس کشور براساس آیین‌نامه‌ی داخلی خود اداره می‌شوند. آیین‌نامه‌ی داخلی مجالس در اولین تصویب، باید اکثریت بیش از پنجاه درصد اعضا را کسب کند. در دوره‌های بعدی، تغییر آیین‌نامه با رأی دو سوم اعضای مجالس امکان‌پذیر است.

اصل ۱۳۹: آیین‌نامه‌ی داخلی کلیه‌ی مجالس باید به تصویب شورای عالی حراست از قانون برسد. هرگونه تغییر در این

آیین‌نامه‌ها، نیازمند کسب موافقت شورای عالی حراست از قانون است.

اصل ۱۴۰: هر یک از مجالس باید یک رئیس و حداقل یک نایب‌رئیس داشته باشند، که مسئول اداره‌ی جلسات هستند.

اصل ۱۴۱: در تمامی مجالس شورا، چنانچه در یک رأی‌گیری تعداد آرای موافق و مخالف برابر بود، رأی رئیس مجلس تعیین‌کننده است.

اصل ۱۴۲: قوانین کلیه‌ی مجالس باید در راستای برقراری تساوی جنسیتی (میان زنان، مردان و غیره) باشد.

اصل ۱۴۳: در تمامی مجالسی که اعضای آن‌ها بیش از ۹ نفر است، حداقل یک سوم نمایندگان باید زن باشند.

اصل ۱۴۴: هیچ‌یک از نمایندگان مجالس که منطقه‌ی نمایندگی آن‌ها بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت دارد، در دوران نمایندگی حق داشتن سمت و شغل دیگری، اعم از دولتی و خصوصی، ندارد.

اصل ۱۴۵: نظامیان و نیروهای پلیس سابق تنها در صورتی می‌توانند کرسی نمایندگی مجلس شورای ملی را احراز کنند که به‌اندازه‌ی نصف طول خدمت نظامی و انتظامی آن‌ها از زمان خروجشان از ارتش یا پلیس گذشته باشد.

اصل ۱۴۶: یک کرسی در مجلس شورای ملی به نماینده‌ی معلولان کشور اختصاص داده می‌شود، که خود او باید لااقل ۲۵ درصد معلولیت داشته باشد. در انتخاب این نماینده، تنها معلولان می‌توانند شرکت کنند. رأی دادن در این انتخابات مانع شرکت معلولان در انتخاب سایر نمایندگان مجلس شورای ملی نیست. همچنین نامزدهای نمایندگی معلولان در مجلس شورای ملی، از نامزدی تحت عنوان دیگر در انتخابات مجلس شورای ملی محروم‌اند.

اصل ۱۴۷: وضع قانون در حوزه‌ی سیاست جمعیتی کشور از امهات قانون‌گذاری است. قانون‌گذاری در این حوزه باید به‌گونه‌ای باشد که جمعیت کشور متناسب با حداقل منابع اولیه‌ی لازم برای زندگی (مانند آب) که عمدتاً قابل وارد کردن نیستند، تنظیم شود.

اصل ۱۴۸: هیچ‌یک از نمایندگان مجلس را نمی‌توان تحت پیگرد قضایی، بازداشت و مجازات قرار داد، مگر پس از محکومیت در دادگاه و تأیید شورای عالی حراست از قانون.

قوه‌ی قضائیه

اصل ۱۴۹: رئیس دستگاه قضایی با شرکت در انتخاباتی که تنها قضات سراسر کشور مجاز به شرکت در آن هستند، انتخاب می‌شود.

اصل ۱۵۰: شرایط عمومی نامزدهای ریاست بر دستگاه قضایی توسط مجلس شورای ملی تعیین می‌گردد. همچنین صلاحیت نامزدهای ریاست بر دستگاه قضایی باید توسط شورای عالی حراست از قانون و دیوان عالی کشور تأیید شود.

اصل ۱۵۱: ریاست دستگاه قضایی از قضاتی انتخاب می‌شود که بیش از ۵ سال به بازنشستگی آن‌ها نمانده باشد. در این صورت، حتی با عبور از سن مجاز بازنشستگی، همچنان ریاست او بر دستگاه قضایی ادامه خواهد داشت.

تبصره: با توجه به تغییر ساختار کشور و قانون اساسی، این اصل تنها زمانی اجرا می‌شود که حداقل ۱۰ قاضی در دستگاه جدید

قضایی به شرایط «۵ سال مانده به بازنشستگی» برسند. تا آن زمان، در هر دوره ۵ نفر به‌عنوان نامزدهای ریاست بر دستگاه قضایی از سوی شورای عالی حراست از قانون معرفی شده، با انتخاب قضات سراسر کشور یک نفر از آن‌ها به ریاست دستگاه قضایی می‌رسد.

اصل ۱۵۲: ریاست دستگاه قضایی به مدت ۵ سال انتخاب می‌شود. هر کس تنها یک دوره می‌تواند به این سمت برگزیده شود.

اصل ۱۵۳: اعضای دیوان عالی کشور، با معرفی رئیس‌جمهور و رأی اکثریت اعضای مجلس شورای ملی برای هر مدت تا رسیدن به سن ۷۵ سالگی، از میان قضاتی که بیشتر از ۵ سال به بازنشستگی آن‌ها نمانده یا بازنشست شده‌اند، انتخاب می‌شوند. در صورت درگذشت یا عبور هر یک از نمایندگان دیوان عالی کشور از سن ۷۵ سالگی، رئیس‌جمهور موظف است به تعداد لازم نامزد عضویت در دیوان عالی کشور به مجلس معرفی کند. همچنین مجلس شورای ملی می‌تواند با اکثریت دو سوم، اعضای دیوان عالی کشور را خلع کند.

اصل ۱۵۴: دیوان عالی کشور نقش دادگاه انتظامی قضات را بر عهده دارد. هر یک از شهروندان کشور می‌تواند از قضات به دادگاهی که توسط دیوان عالی کشور اداره می‌شود، شکایت کند.

اصل ۱۵۵: دادگاه‌های نظامی به ترتیبی که قانون مقرر می‌کند تشکیل می‌شوند. این دادگاه‌ها تحت نظارت دیوان عالی کشور فعالیت می‌کنند و حکم دیوان عالی کشور بر دادگاه‌های نظامی نافذ است.

اصل ۱۵۶: اعضای دیوان عالی کشور نمی‌توانند هیچ سمت یا شغل دیگری، اعم از خصوصی و دولتی، داشته باشند.

اصل ۱۵۷: دیوان عالی کشور وظیفه‌ی نصب قضات جدید را دارد.

اصل ۱۵۸: سایر قوانین و ضوابط مربوط به دستگاه قضایی و دیوان عالی کشور توسط مجلس شورای ملی تعیین می‌شود.

اصل ۱۵۹: داشتن هرگونه سمت و شغل دولتی و خصوصی دیگر برای قضات ممنوع است.

اصل ۱۶۰: نمی‌توان قضات را برکنار یا برخلاف میلشان به منطقه‌ای دیگر منتقل کرد، مگر با حکم دیوان عالی کشور.

اصل ۱۶۱: شهروندان می‌توانند علیه هر یک از مقامات که حقوق آن‌ها از محل اموال عمومی تأمین می‌شود در دادگاه اقامه‌ی دعوا کنند. اگر رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای ملی و قضات دیوان عالی در دادگاه محکوم شوند، درصورتی‌که اجرای حکم (مانند رفتن به زندان یا محکومیت به انجام خدمات عمومی) مخل انجام وظایف ایشان باشد، اجرای حکم آن‌ها تا پایان دوره‌ی خدمتشان معلق باقی می‌ماند. در این شرایط، مقامات نامبرده از نامزدی برای احراز مجدد مناصب تا زمان اجرای حکم دادگاه محروم خواهند بود.

اصل ۱۶۲: در صورت درخواست متهم مبنی بر علنی بودن دادگاه، دادگاه تنها در صورتی غیرعلنی برگزار می‌شود که با درخواست قاضی، دیوان عالی حکم به این امر دهد. اما در مورد جرائم سیاسی و رسانه‌ای، اگر متهم مایل به علنی بودن دادگاه باشد، هیچ مرجعی نمی‌تواند مانع علنی بودن دادگاه شود.

تغییر قانون اساسی

اصل ۱۶۳: نمایندگان مجلس شورای ملی می‌توانند با اکثریت یک سوم نمایندگان تغییرات قانون اساسی را برای بحث در مجلس شورای ملی مطرح کنند. در صورت موافقت حداقل دو سوم نمایندگان، تغییرات مطرح‌شده در مجلس شورای ملی تصویب می‌شود. هرگونه تغییر، زمانی نهایی می‌شود که مردم در همه‌پرسی سراسری به آن رأی مثبت دهند.

اصل ۱۶۴: انتخابات قانون اساسی باید مجزا از سایر انتخابات برگزار شود تا اهمیت آن تحت شعاع سایر انتخابات قرار نگیرد.

اصل ۱۶۵: در انتخابات تغییر قانون اساسی می‌بایست هیئتی از سازمان ملل متحد بر برگزاری انتخابات نظارت داشته باشد. تأیید صحت انتخابات، علاوه بر تأیید شورای عالی حراست از قانون، نیازمند تأیید هیئت سازمان ملل متحد نیز هست.

اصل ۱۶۶: در اصلاح قانون اساسی، از زمان نهایی شدن کلیات تغییر قانون اساسی در مجلس شورای ملی و اعلان عمومی آن، تا برگزاری همه‌پرسی کشوری، باید حداقل ۱ ماه فاصله باشد تا فرصت کافی برای طرح مباحث میان کارشناسان و مردم وجود داشته باشد.

اصل ۱۶۷: توصیه می‌شود این قانون اساسی پس از گذشت ۱۰ سال از تصویب آن مورد بازبینی قرار گیرد.